

بیانیه مشترک جامعه مدنی

«قانون اجراءات جزایی برای محاکم» بحران حقوق بشر در افغانستان را عمیق‌تر خواهد کرد.

ارائه‌شده به شصت و یکمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

۲۴ فبروری ۲۰۲۶

ما، نهادهای جامعه مدنی افغان و بین‌المللی امضاکننده این بیانیه، نگرانی عمیق خود را نسبت به تداوم و تشدید وخامت وضعیت حقوق بشر در افغانستان ابراز می‌کنیم. پیش از چهار سال و نیم پس از تصرف قدرت توسط طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، این گروه بر سرکوب نظام‌مند و نهادینه‌شده خود افزوده است.

با وجود تعامل مستمر جامعه مدنی افغانستان، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، رویه‌های ویژه سازمان ملل متحد و دولت‌های نگران، وضعیت در ماه‌های اخیر به‌گونه چشمگیری وخیم‌تر شده است؛ زیرا مقامات امر واقع (DFA) فرمان‌ها، قوانین و مقررات خودسرانه بیشتری صادر کرده و همچنان از طریق سازوکارهای اجرایی تنبیهی و تعقیب‌گرانه حکومت می‌کنند.

از سال ۲۰۲۱ تا اکنون، طالبان چارچوب‌های حقوقی و پالیسی‌های پیشین را که برای حمایت از حقوق بشر تصویب شده بود، لغو کرده‌اند؛ اقدامی که نقض تعهدات افغانستان ذیل حقوق بین‌الملل حقوق بشر محسوب می‌شود، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، کنوانسیون منع شکنجه (CAT)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی (CERD)، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)، کنوانسیون حقوق طفل (CRC) و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت (CRPD) و سایر اسناد مرتبط قرار دارد.

زنان و دختران از طریق ممنوعیت‌های گسترده بر آموزش، اشتغال، آزادی رفت‌وآمد، آزادی بیان و مشارکت در امور عمومی، به‌گونه نظام‌مند از زندگی عمومی حذف شده‌اند. مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی، قضات و سارنوالان پیشین، وکلا، هنرمندان، دگرباشان جنسی و آموزگاران با بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری، شکنجه و اقدامات تلافی‌جویانه خشونت‌آمیز مواجه‌اند و فضای حاکم، فضای هراس و مصونیت از مجازات برای مرتکبان این جرایم است.

اقلیت‌های مذهبی و قومی از جمله هزاره‌ها، شیعیان، اسماعیلیان، سیک‌ها و هندوها با حاشیه‌رانی فزاینده و محدودیت بر اعمال مذهبی و بیان فرهنگی روبه‌رو هستند و شواهدی از تغییر مذهب اجباری اعضای جامعه اسماعیلی نیز وجود دارد. هرگونه

مخالفت یا انتقاد از سیاست‌های طالبان با مجازات شدید پاسخ داده می‌شود و فضای مدنی عملاً به سطحی بسته و به شدت سرکوبگر تنزل یافته است.

در چنین زمینه‌ای، طالبان در ۴ جنوری ۲۰۲۶ سندی تحت عنوان «قانون اجراءات جزایی برای محاکم»^۱ صادر کردند که به امضای رهبر طالبان رسیده و برای اجرای فوری به محاکم سراسر کشور ابلاغ شده است. این سند بیانگر تشدید خطرناک رسمی‌سازی و نهادینه‌سازی حقوقی سرکوب است و پیامدهای جدی برای حمایت از حقوق اساسی در افغانستان در پی خواهد داشت.

الف. فقدان اعتبار و مشروعیت حقوقی

«قانون اجراءات جزایی برای محاکم» فاقد مشروعیت حقوقی و اخلاقی است. این سند بدون هرگونه مشورت عمومی یا فرآیند قانون‌گذاری نمایندگی محور تصویب شده، مبنای قانون اساسی ندارد و در غیاب نظارت یک دستگاه قضایی مستقل اعمال می‌شود. این قانون با الزامات اساسی قانونی بودن، قابلیت پیش‌بینی، پاسخگویی و برابری در برابر قانون (آن‌گونه که در حقوق بین‌الملل حقوق بشر و اصول کلی حقوق به رسمیت شناخته شده‌اند) مغایرت دارد.

این قانون به جای تحدید اعمال قدرت، اقتدار مطلق طالبان را تحکیم می‌کند و محاکم را از مراجع مستقل رسیدگی قضایی به ابزار سلطه و اجرای ایدئولوژیک بدل می‌سازد. از این رو، نمی‌توان آن را به‌عنوان یک سند حقوقی معتبر به رسمیت شناخت و جامعه بین‌المللی نباید به آن مشروعیت ببخشد.

ب. نقض نظام مند دادرسی عادلانه و اصول قانونی

این قانون تضمین‌های اساسی دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) را حذف کرده یا به رسمیت نمی‌شناسد، از جمله:

- اصل برائت،
- برابری در برابر قانون،
- حق دسترسی به وکیل مدافع،
- حق سکوت،
- حمایت در برابر بازداشت خودسرانه، و
- تضمین‌های منع شکنجه.

^۱ با وجود آن‌که این سند «قانون اجراءات جزایی برای محاکم» نام‌گذاری شده است، دامنه آن به مراتب فراتر از موضوعات صرفاً اجراءاتی می‌رود. هرچند ظاهراً هدف آن تنظیم روندهای قضایی عنوان شده، متن آن شامل مقررات ماهوی جزایی نیز هست و مجازات‌ها را به‌طور صریح تعریف می‌کند. بدین ترتیب، این سند عملاً نه فقط یک قانون اجراءاتی، بلکه یک قانون جزای امر واقع محسوب می‌شود. با ادغام قواعد اجراءاتی با تعریف‌های ماهوی جرایم و احکام مربوط به تعیین مجازات، این قانون صلاحیت کیفری گسترده‌ای را در چارچوبی قضایی که فاقد پاسخگویی است، متمرکز می‌سازد. این درهم‌آمیختگی میان حقوق شکلی و حقوق ماهوی، اصل قانونی بودن را تضعیف کرده، تضمین‌های موجود در برابر مجازات خودسرانه را سست می‌کند و مرز میان قضاوت مستقل و کنترل اجراءاتی را بیش از پیش از میان برمی‌دارد.

این قانون معیارهای تحقیق مستقل و ادله اثبات را کنار گذاشته و اعتراف و شهادت را به‌عنوان ابزارهای اصلی اثبات جایگزین کرده است؛ اقدامی که به‌طور مستقیم با معیارهای بین‌المللی در تعارض است. این وضعیت خطر شکنجه و اخذ اقرار تحت اجبار را به‌گونه جدی افزایش می‌دهد و ناقض کنوانسیون منع شکنجه (CAT) و ممنوعیت مطلق شکنجه در حقوق بین‌الملل است. نبود نظارت مؤثر قضایی، مصونیت از مجازات برای سوء استفاده‌های مقامات را بیش از پیش نهادینه می‌کند.

ج. نهادهای سازی تبعیض و قشر بندی اجتماعی

این قانون مقرراتی را در بر دارد که به‌طور صریح تبعیض مذهبی، اجتماعی و جنسیتی را کُددگذاری می‌کند و در تعارض با معاهدات حقوق بشری از جمله مواد ۲ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) قرار دارد.

این قانون مسلمانان را منحصراً بر اساس مذهب حنفی تعریف کرده و سایر گروه‌های مذهبی را «مرتد» یا «منحرف» می‌نامد؛ امری که اقلیت‌های مذهبی را در معرض سرکوب، طرد و مجازات‌های خودسرانه قرار می‌دهد. همچنین، حاوی مقرراتی است که قوانین و فرمان‌های پیشین را تقویت می‌کند؛ قوانینی که جایگاه زنان را تا سطح دارایی تنزل داده‌اند.

ماده ۶۰ این قانون روابط همجنس‌گرایانه را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات حبس و در مواردی که «مکرر» تلقی شود، حکم اعدام تعزیری پیش‌بینی کرده است؛ موضوعی که دگرباشان جنسی را در معرض خطر فزاینده بازداشت خودسرانه، شکنجه و اعدام قرار می‌دهد.

علاوه بر این، جامعه را به طبقات سلسله‌مراتبی - «علما/روحانیون»، «نخبگان»، «طبقه متوسط» و «طبقه پایین» - تقسیم کرده و برای یک جرم واحد، مجازات‌های کاملاً متفاوتی برای طبقات مختلف تعیین می‌کند. این قشر بندی کُددگذاری شده به‌طور مستقیم اصل برابری در برابر قانون را نقض کرده و نظامی از عدالت تبعیض‌آمیز را تثبیت می‌کند که با هنجارهای بنیادین حقوق بشر ناسازگار است.

یافته‌های نظرسنجی بشنو در اپریل ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان زن اعلام کرده‌اند که به‌جای مراجعه به نهادهای قضایی و عدلی تحت اداره مقامات بالفعل (de facto authorities)، به سازوکارهای محلی حل منازعه و شبکه‌های کمک حقوقی جامعه مدنی روی آورده‌اند.^۲

د. سرکوب آزادی بیان و جرم‌انگاری مخالفت

این قانون انتقاد از سیاست‌ها و رهبران طالبان را جرم‌انگاری کرده، به قضات اختیار نامحدود می‌دهد تا «تمسخر» یا مخالفت ادراک‌شده را مجازات کنند و افراد را مکلف

² <https://bishnaw.com/womens-access-to-justice-challenges-and-opportunities-in-afghanistan/>

می‌سازد دیگرانِ مظنون به مخالفت را گزارش دهند. این مقررات حق آزادی بیان مندرج در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض کرده و حق حریم خصوصی و مصونیت از مداخله خودسرانه را تضعیف می‌کند.

در عمل، این اقدامات نظام قضایی را به سازوکاری برای خاموش‌ساختن صداهای مخالف، سرکوب اندیشه مستقل و تحمیل هم‌سویی ایدئولوژیک تبدیل می‌کند و هرگونه فضای مدنی باقی‌مانده در افغانستان را بیش از پیش از میان می‌برد.

ه. نهادینه‌سازی خشونت علیه زنان و کودکان

این قانون برای خشونت خانگی تنها در مواردی که «ضرب‌وشتم شدید» منجر به شکستگی، جراحت یا کبودی شود، مجازات حداکثر ۱۵ روز حبس، پیش‌بینی کرده و به سایر اشکال خشونت فیزیکی، روانی و جنسی علیه زنان و دختران اشاره‌ای نمی‌کند؛ امری که عملاً به مشروعیت‌بخشی خشونت خانگی می‌انجامد. همچنان، معلمان نیز تنها در صورتی در قبال تنبیه بدنی کودک مسئول شناخته می‌شوند که ضربه وارد شده منجر به شکستگی استخوان، پارگی پوست یا کبودی قابل مشاهده گردد.

چنین مقرراتی با تعهدات افغانستان ذیل کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و کنوانسیون حقوق طفل (CRC) در تعارض بوده و نظامی از ستم و پیگرد مبتنی بر جنسیت را تقویت می‌کند. در ماه اپریل، یافته‌های بشنو نشان داد که «۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان زن، خشونت و آزار خانگی را دلیل اصلی مراجعه زنان به خدمات حقوقی عنوان کرده‌اند.»^۳

با درج تبعیض و خشونت در متن قانون اجراءات، این سند خطر خشونت مبتنی بر جنسیت، خشونت علیه کودکان و محرومیت زنان و دختران از دسترسی به عدالت را افزایش می‌دهد. ذیل قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر (PVPV)، الزام محرم و حضور پولیس امر به معروف و نهی از منکر پیشاپیش موانع جدی برای دسترسی زنان به عدالت ایجاد کرده است. ۴۸ درصد از پاسخ‌دهندگان زن این دو عامل را مانع اصلی دسترسی زنان به خدمات حقوقی **نهادهای قضایی و عدلی تحت اداره مقامات بالفعل (de facto authorities)** دانسته‌اند.^۴ در صورت عدم رسیدگی، این موانع عمیق‌تر و تشدید خواهند شد.

این قانون همچنین سیاست‌هایی را تحکیم می‌کند که می‌تواند ذیل حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان جنایت علیه بشریت از نوع آزار و تعقیب بر مبنای جنسیت تلقی شود.

و. فقدان تناسب میان جرم و مجازات

«قانون اجراءات جزایی برای محاکم» نشان‌دهنده نبود آشکار تناسب میان جرایم و مجازات‌های مقرر است. اصل تناسب که از ارکان اساسی حقوق بین‌الملل بشر

³ <https://bishnaw.com/womens-access-to-justice-challenges-and-opportunities-in-afghanistan/>

⁴ همان

به‌شمار می‌رود، ایجاب می‌کند که مجازات با شدت جرم و میزان آسیب وارده متناسب باشد.

بر اساس این قانون، خشونت خانگی علیه زنان تنها در صورتی که منجر به جراحت جدی شود، با حبس حداکثر ۱۵ روز مجازات می‌گردد. در مقابل، فردی که از فقه حنفی تبعیت نکند، ممکن است تا دو سال حبس محکوم شود. افزون بر آن، شخصی که به پناه‌دادن به یک شورشی یا مخالف طالبان متهم گردد، ممکن است تا پنج سال حبس محکوم شود.

ز. گسترش و عادی‌سازی مجازات اعدام

«قانون اجراءات جزایی برای محاکم» مشتمل بر مقررات متعدد مربوط به مجازات اعدام است. به‌گونه خاص، گزارش شده است که ماده ۱۴ در یازده مورد مختلف مجازات مرگ را مجاز می‌داند. گستردگی این موارد نگرانی‌های جدی در خصوص انطباق با معیارهای بین‌المللی حاکم بر اعمال مجازات اعدام ایجاد می‌کند.

بر اساس حقوق بین‌الملل، از جمله ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، این مجازات تنها برای «جدی‌ترین جرایم» و با رعایت تضمین‌های سخت‌گیرانه دادرسی عادلانه قابل اعمال است. اعطای اختیار گسترده برای صدور حکم اعدام در نظامی قضایی که فاقد استقلال، شفافیت و تضمین‌های دادرسی عادلانه است، خطر جدی اعدام‌های خودسرانه را ایجاد می‌کند.

ح. افزایش خطر برای بازگشت‌کنندگان اجباری

تصویب «قانون اجراءات جزایی برای محاکم» به‌گونه قابل ملاحظه‌ای خطرانی را که متوجه افغان‌های بازگردانده‌شده اجباری به افغانستان تحت کنترل طالبان است افزایش می‌دهد؛ افرادی که بسیاری از آنان در اصل برای فرار از انتقام‌جویی به‌دلیل ارتباط با حکومت پیشین و نیروهای امنیتی، آزار مبتنی بر مذهب یا جنسیت، یا خطرات ناشی از فعالیت‌های مشروع‌شان از جمله به‌عنوان مدافع حقوق بشر یا خبرنگار، کشور را ترک کرده بودند.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شماری از نیروهای امنیتی پیشین، مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران و فعالانی که به‌طور اجباری به افغانستان بازگردانده شده‌اند، با بازداشت خودسرانه، شکنجه و در برخی موارد اعدام‌های فراقضایی مواجه شده‌اند. با حذف تضمین‌های اساسی دادرسی عادلانه، مشروعیت‌بخشی به بازداشت خودسرانه و نهادینه‌سازی تبعیض، این قانون هرگونه تضمین اجرائی باقی‌مانده برای بازگشت‌کنندگان، به‌ویژه کسانی را که به‌عنوان مخالف طالبان تلقی می‌شوند، از میان برمی‌دارد.

بر اساس داده‌های عملیاتی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان (UNHCR) و سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM)، تنها در سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۱.۴۵ میلیون افغان از ایران، پاکستان، ترکیه و تاجیکستان به افغانستان اخراج شده‌اند.^۵

بر مبنای قانون جدید اجراءات جزایی، افرادی که به افغانستان بازگردانده می‌شوند با چارچوبی حقوقی مواجه‌اند که مجازات را بر اساس اعتراف، شهادت یا سوءظن ایدئولوژیک مجاز می‌داند، بدون دسترسی به وکیل مدافع یا بازبینی مستقل قضایی. بدین ترتیب، بازگشت به‌جای آن‌که به معنای طی یک روند قانونی باشد، به قرارگرفتن فوری در معرض نظامی از سرکوب و خشونت تبدیل می‌شود.

در چنین شرایطی، بازگرداندن اجباری افراد به افغانستان نقض آشکار و مستمر اصل منع بازگرداندن اجباری (non-refoulement) در حقوق بین‌الملل پناهندگان و حقوق بشر محسوب می‌شود، با توجه به خطرات واقعی، قابل پیش‌بینی و مرگ‌باری که متوجه افرادی است که به حاکمیت طالبان بازگردانده شده و تحت این قانون سرکوبگرانه قرار می‌گیرند.

ف. مصونیت از مجازات و خطرات ناشی از عادی‌سازی

رسمی‌سازی سرکوب از طریق اسنادی چون «قانون اجراءات جزایی برای محاکم»، شکاف عمیق پاسخگویی در افغانستان را بیش از پیش تشدید می‌کند. در غیاب سازوکارهای نیرومند بین‌المللی برای مستندسازی نقض‌ها، حفظ ادله و پیگیری پاسخگویی، خطر جدی آن وجود دارد که نقض‌های جاری - از جمله آزار مبتنی بر جنسیت، شکنجه و آزار اقلیت‌ها - تحت پوشش «نظم قانونی» عادی‌سازی شود.

تعامل با طالبان که به‌گونه قاطع بر پاسخگویی، شاخص‌های حقوق بشری و حمایت از قربانیان استوار نباشد، خطر نهادینه‌شدن مصونیت از مجازات و تضعیف هنجارهای حقوق بین‌الملل را در پی دارد.

پیشنهادات و توصیه‌ها

بر این اساس، ما از شورای حقوق بشر، دولت‌های عضو و ناظر، و نهادها و سازوکارهای سازمان ملل متحد می‌خواهیم که:

۱. قوانین، فرمان‌ها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز صادرشده از سوی طالبان، از جمله «قانون اجراءات جزایی برای محاکم» جدید را به‌گونه علنی محکوم کنند؛

۲. با توجه به سابقه مستمر نقض‌ها و تخطی‌های حقوق بشری طالبان، به‌ویژه سرکوب نظام‌مند زنان و دختران و دگرباشان جنسی، از عادی‌سازی روابط دیپلماتیک با آنان خودداری کنند. قانون تازه تصویب‌شده اجراءات جزایی برای محاکم که تبعیض و آزار را بر مبنای متقاطع نهادینه می‌کند، بار دیگر نشان می‌دهد که تعامل بدون پاسخگویی می‌تواند به مشروعیت‌بخشی جرایم جاری بینجامد؛

⁵ <https://data.unhcr.org/en/situations/afghanistan>

۳. از طریق عملیاتی‌سازی کامل، تأمین منابع مالی و حمایت سیاسی از سازوکار مستقل بین‌المللی تحقیقاتی برای افغانستان (IIMA)، از جمله با کمک به صندوق امانی داوطلبانه، ادغام دیدگاه جنسیتی و حقوق طفل، و تضمین مشارکت فراگیر سازمان‌های جامعه مدنی و انجمن‌های قربانیان، پاسخگویی مبتنی بر محوریت بازماندگان برای جرایم بین‌المللی و نقض‌های جدی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را تضمین کنند؛

۴. با حمایت مالی و سیاسی، از جامعه مدنی و گروه‌های حقوق بشری در داخل و خارج از افغانستان، از جمله ابتکارات مستندسازی، مدافعان حقوق زنان و تلاش‌های عدالت‌محور مبتنی بر محوریت بازماندگان پشتیبانی کنند تا بتوانند به کار حیاتی خود ادامه دهند؛

۵. اطمینان حاصل کنند که گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان از منابع لازم برای اجرای مؤثر مأموریت خود و پیگیری توصیه‌ها برخوردار است؛

۶. تحریم‌های هدفمند و تدابیر پاسخگویی را علیه افرادی که مسئول نقض‌ها و تخطی‌های جدی حقوق بشر هستند، دنبال کنند؛

۷. با مسیرهای مکمل پاسخگویی تعامل کرده، از جمله تحقیقات دیوان کیفری بین‌المللی را ادامه داده و گسترش دهند و از پرونده‌های مبتنی بر صلاحیت قضایی جهانی حمایت کنند؛

۸. گام‌های به‌موقع و شفاف برای پیشبرد رسیدگی‌های مربوط به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) در دیوان بین‌المللی عدالت توسط دولت‌های درخواست‌کننده - استرالیا، کانادا، آلمان و هلند - بردارند؛

۹. از رأی تاریخی محکمه مردمی زنان افغانستان در شکل‌دهی سیاست‌ها و اقدامات مرتبط با افغانستان استفاده کرده و از ابتکارات مشابه به رهبری افغان‌ها و مبتنی بر محوریت بازماندگان برای عدالت و پاسخگویی حمایت کنند؛

۱۰. تمامی بازگرداندن‌های اجباری افغان‌ها را متوقف ساخته، به تعهدات مربوط به اصل منع بازگرداندن اجباری پایبند بمانند و مسیرهای حمایت و اسکان مجدد را برای افراد در وضعیت‌های آسیب‌پذیر گسترش دهند.

Endorsed by: National Organisations⁶

1. Afghanistan Democracy and Development Organisation (ADDO)
2. Civil Society and Human Rights Network (CSHRN)

⁶ We have also received endorsements from dozens of national human rights and humanitarian organisations operating within Afghanistan. However, due to security considerations, we are not in a position to disclose their names.

3. Human Rights Defenders Plus (HRD+)
4. Dialogue Hub for Common Ground
5. Afghanistan Women Justice Movement
6. EU-HOPE – European Humanitarian Organization for Progress & Equality e.V
7. Progressive Forces of Afghanistan Movement
8. Spontaneous Movement of Afghan Women Protesters
9. Afghans for Progressive Thinking (APT)
10. Afghan Youth Representative to the United Nations
11. Afghanistan Media Support Organisation (AMSO)
12. Afghanistan Women’s Solidarity Movement
13. Tabesam Cultural and Social Services Institute
14. Afghanistan Women's Political Participation Network
15. Afghanistan Women’s Organization for Equality
16. Herat Citizens' Social Association
17. Civic Movement of social justice
18. Feminine Solidarity for Justice Org (FSJO)
19. Maihan Civic Organization
20. Panjshir Civil Society Network
21. Independent Cooperation for Changes Organization (ICCO)
22. Women Media Advocacy Group
23. Network Of Afghan Women in Urban Governance
24. Generation of Peace Society
25. Afghan Women News Agency (AWNA)
26. Free Watch Afghanistan Organization(FWA)
27. Mawoud Academy
28. Afghanistan Women’s New Future Movement
29. Afghanistan Sociological Association (CIC)
30. Fekresabz organization (FSO)
31. Afghanistan Canada culture(ACC)
32. Peace & Sport Organization
33. Afghanistan Service, Cultural and Rehabilitation Organization (ASCRO)
34. Par literary Center
35. Tolo Social and Civic Organization TSCO
36. No to Rigor Organization (NRO)
37. Fatema Foundation
38. Borderless Amu Movement (BAM)
39. Nationals Movement Against Discrimination
40. Afghan Women Education and Vocational Services Organization
41. Wahaj Welfare Organization for Afghanistan
42. Incident Prevention & Assist the People Organization (IPAPO)
43. G+ Generation Positive Organization
44. Afghan Human Rights Defenders in Exile (AHRDE)
45. Shahrvand Social and Legal Research Organization (SSLO)
46. FARKHUNDA MOVEMENT
47. Sunrise of Freedom
48. Afghanistan’s Powerful Women’s Movement
49. Independent Coalition of Afghanistan Women’s Protest Movement
50. Balkh Women’s Movement
51. Afghanistan Freedom Struggle Network
52. Global Campaign Against Gender Apartheid
53. Movement’s Yell Movement
54. Free People Movement in Exile

55. AWA Legal and Social Foundation
56. Development and Support of Afghan Women and Children Organization (DSAWCO)
57. Equality Social and Cultural Organization (ESCO)
58. Afghan Youth in New Era Organization (AYNEO)
59. Alternative Links for Training and Development
60. The Rahyab Initiative
61. Rawadari
62. Afghanistan Human Rights and Democracy Organization (AHRDO)
63. Learn Afghan
64. Transitional Justice Coordination Group (TJCG)
65. Together for Equality Organization (TEO)
66. Afghan Canadian Civil Society Forum (ACSFO)
67. Rawzana Omid Social organization
68. Stichting voor Afghanistan (SVA)
69. Association of Women in Radio and Television (AWRT-K)
70. Civil Society and Human Rights Activists Network
71. Nawid Naw weekly newspaper
72. Gita Forschungs- und Aktionsinstitut e.V.
73. Window for Hope
74. Alefbe.App
75. Afghanistan Studies & Cooperation Center e.V (ASCC)
76. Organization for Policy Research and Development Studies (DROPS);
77. Solidarity Group Afghanistan
78. Afghanistan LGBTIQ+ Organisation (ALO)
79. Afghanistan Youth Leaders Assembly (AYLA)
80. Yaar. e. V
81. Hamrah Initiative
82. Association of Afghan Organizations in Germany (VAFO)

International Organisations

1. Human Rights Activists Union (HRAU)
2. World Organisation against Torture (OMCT)
3. International Bar Association's Human Rights Institute (IBAHRI)
4. The South Asia Collective
5. Education Defenders Network (EDN) - Canada
6. Madre
7. Center for Dialogue and Progress - Geneva (CDP-G)
8. Women's International League for Peace and Freedom (WILPF)
9. Forum Asia
10. Center for Human Rights Advocacy (CHRA)
11. International Service for Human Rights (ISHR)
12. Asia Democracy Network (ADN)
13. South Asians for Human Rights (SAHR)

